

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان

سید محمد حسینی

دانشیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد احسان ابراهیمی زرنندی

دانش‌آموخته‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۳

چکیده

احساس امنیت یکی از نیازهای جامعه‌ی انسانی و از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت محیط است. از یکسو هر فرد در قالب زمان و مکان مشخصی زندگی می‌کند و ایفای کارکرد اساسی او و همچنین تاثیر متقابل بین فرد و اجتماع در این محدوده قرار دارد. لذا در جوامع شهری پیچیده‌ی امروز عوامل گوناگون محیطی در جریان یک تاثیر گذاری متقابل، سبب بروز انواع نابسامانی‌ها، انحرافات و جرائم شده‌اند. از سوی دیگر، بروز انواع ناهنجاری‌های اجتماعی به ویژه وقوع جرایم مواد مخدر یکی از مشکلات مهم کشور در مقطع کنونی و دغدغه‌ای برای مسئولین قضایی و انتظامی کشور است. در این راستا پژوهش حاضر کوشیده است با تمرکز بر شناسایی و تحلیل جغرافیایی جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمان، حرکتی جدید در عرصه‌ی پیشگیری محیطی از بزهکاری بردارد. با تشریح دیدگاه کانون‌های جرم‌خیز و اهمیت و ضرورت مطالعه‌ی آن، سعی شده است کانون‌های عمده‌ی جرایم مرتبط با مواد مخدر شهر کرمان با استفاده از روش‌های اولیه‌ی آماری و روش تخمین تراکم کرنل شناسایی شوند. بدیهی است نتایج این تحقیق می‌تواند به پیشگیری محیطی و عملکرد پلیس در مبارزه با بزه سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در شهر کرمان کمک شایانی نماید و همچنین با شناخت و فهم مجموعه عوامل مکانی، زمانی و اجتماعی تشکیل دهنده‌ی محدوده‌های جرم‌خیز می‌توان از شکل‌گیری این مناطق در آینده پیشگیری کرد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که مرکز ثقل جرایم مواد مخدر تقریباً منطبق با بخش مرکزی شهر کرمان می‌باشد و از مرکز شهر به سمت شرق و غرب متمایل است. از دلایل کالبدی موثر بر تراکم زیاد جرائم مواد مخدر در این مناطق می‌توان به فشردگی کاربری مسکونی در بخش یاد شده و کمبود بسیاری از امکانات شهری از جمله کاربری‌های فرهنگی، ورزشی، فضای سبز و گذران اوقات فراغت که زمینه‌های تفریح و فعالیت سالم و جلوگیری از ورود جمعیت نوجوان و جوان به گروه‌های بزهکاری را فراهم می‌سازد اشاره کرد.

واژگان کلیدی: کانون جرم‌خیز، کرمان، مواد مخدر، سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی (GIS)، تحلیل

مکانی بزهکاری، نقشه‌ی بزهکاری، پیشگیری.

در سال‌های اخیر ظهور و کاربرد مباحث مطرح در زمینه علوم رفتاری و جامعه‌شناسی شهری و محیطی نقش و جایگاه قابل توجهی در طراحی فضاهای شهری یافته است. تبیین رابطه‌ی دوسویه‌ی انسان و محیط و نحوه‌ی تاثیر محیط ساخت بشر بر ابعاد وجودی انسان کانون توجه علوم رفتاری است. این علوم مبین این حقیقت‌اند که همان‌گونه که انسان در شکل دادن به وجوه گوناگون محیط زندگی خود، نقش فعالانه‌ای دارد، محیط و از جمله محیط کالبدی نیز بر انسان و الگوهای رفتاری او تاثیر اجتناب‌ناپذیر دارد (مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۵۳). جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونتی، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب نظریه‌های نوین شهرسازی بدان اشاره می‌شود (Brantingham, 1991, p.31).

تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیر مسکن، محله و شهر بر ناهنجاری‌های اجتماعی، این نکته را تایید می‌کند که بزهکاری از محیط جغرافیایی و فعالیت افراد تاثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر برخی محدوده‌ها و ساخت‌وسازهای شهری به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی از نرخ بزهکاری بیشتری برخوردارند و در نقطه مقابل برخی از فضاهای شهری بازدارنده‌ی ارتکاب جرم محسوب می‌شوند (Brown, 1981, p.22).

جامعه‌شناسی جنایی اثبات می‌کند که جرم و عوامل بوجود آورنده‌ی آن در نقاط مختلف یکسان نیست و در یک حد مساوی هم اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی نقاط هم از نظر نوع جرم و هم از نظر شدت و ضعف آن، هم از نظر تعداد و هم از نظر عوامل موثر با یکدیگر اختلاف دارند. مسئله مورد نظر این است که گاهی مواقع برخی از ویژگی‌های کالبدی و فضایی شهر، برای جرم‌خیزی، مکانی را مستعد می‌کنند. در واقع چون وقوع هر نوع جرم علاوه بر لزوم شرایط و ویژگی‌های موجود در فرد، مستلزم شرایط مساعد زمانی و مکانی است، برخی از مکان‌ها در شهرها واجد ویژگی‌هایی می‌شوند که با شرایط مورد نیاز برای ارتکاب جرم مطابقت می‌نمایند. این مکان‌ها و فضاهای، در اصطلاح علمی «کانون‌های جرم‌خیز» نامیده می‌شوند (Harries, 1999, p.14).

از میان جرایم شهری، عرضه، خرید و فروش، حمل و نگهداری و سوء مصرف مواد مخدر از جمله انحرافات است که صدمات جبران‌ناپذیری به جوامع بشری وارد ساخته است. جرایم مواد مخدر، علاوه بر زیان‌های جدی و خطرناک جسمانی، مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی از جمله

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۹۵

افزایش سرقت، تکدی‌گری و جرایم سازمان‌یافته و همچنین هدر رفتن سرمایه‌های کلان مادی کشورها را به دنبال داشته است. کشور ما نیز به لحاظ وضعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی، طی سال‌های اخیر، در معرض آلودگی بیشتر به مواد مخدر قرار گرفته است که به دو شکل قاچاق و اعتیاد بروز و ظهور داشته است. در این میان استان کرمان به دلیل قرار گرفتن در کنار استان‌های هم‌مرز با دو کشور افغانستان و پاکستان، به عنوان مهم‌ترین تولیدکننده‌های مواد مخدر و همچنین واقع شدن در مسیر حمل و نقل و عبور مواد مخدر، پیوسته در معرض تهدید و آسیب می‌باشد.

این پژوهش به دنبال آن است تا محدوده‌های آلوده و جرم‌خیز شهر کرمان را با در نظر گرفتن نوع و میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر در سطح مناطق مختلف شهر با استفاده از نرم‌افزار GIS شناسایی و مورد تحلیل قرار دهد تا از این طریق بتوان نسبت به اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر لازم جهت کنترل بزهکاری در این شهر اقدام نمود. مهم‌تر این که به مدیریت شهری و سایر مسئولان از جمله مسئولان قضایی و انتظامی این امکان را می‌دهد که با اقدامات پیشگیرانه شامل شناسایی محدوده‌های جرم‌خیز احتمالی در آینده و ارائه‌ی راهکارهایی برای ایمن‌سازی شرایط فعلی و انجام اقدامات نظارتی و درمانی در کانون‌های جرم‌خیز موجود، تصمیمات لازم را برای مقابله با بزهکاری در سطح شهر اتخاذ نمایند.

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، از جمله فناوری‌های نوین برای تحلیل فضایی-زمانی بزهکاری است. این سامانه امکان گردآوری، ذخیره‌سازی، پردازش و تحلیل آن بخشی از داده‌های مربوط به رفتارهای مجرمانه را دارد که حداقل دارای یک خصیصه‌ی مکانی باشند (Chaine y and Ratcliffe, 2005, p.8). با استفاده از این سامانه و نرم‌افزارهای جانبی طراحی شده بدین منظور (همانند CrimeStat) که در محیط نرم‌افزار GIS فعال می‌گردند، می‌توان محدوده‌های با میزان جرم بیشتر را شناسایی نمود.

بدین‌سان، در این تحقیق، این سوال اساسی مطرح می‌شود که تحلیل فضایی کانون‌های ارتکاب انواع جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمان چگونه است؟ برای ورود به این کاوش ابتدا به صورت مؤخر به بررسی مبانی نظری مطرح شده در ادبیات فنی این پژوهش اشاره می‌گردد (گفتار نخست). سپس با ورود به معرفی جامعه‌ی آماری مورد مطالعه (گفتار دوم) با طرح یافته‌های حاصل از تحقیق به بحث پیرامون نتایج و آزمون فرضیات پژوهش (گفتار سوم) پرداخته می‌شود.

گفتار نخست: مبانی جغرافیای مکانی جرم

از دیرباز اندیشمندان مباحث مفصلی را به مطالعه پیرامون تأثیر محیط جغرافیایی بر ناسازگاری‌های اجتماعی اختصاص داده‌اند. توجه و علاقه به تحلیل فضایی- مکانی جرایم و به‌طور کلی بررسی رابطه مکان و جرم طی چند سال اخیر، بویژه در دهه‌ی پایانی قرن گذشته‌ی میلادی، در محافل علمی جهان افزایش یافته است. به نظر می‌رسد افزایش میزان جرم و خشونت‌های شهری در اکثر کشورهای جهان و طرح نظریه‌های جدید پیرامون محیط و جرم و لزوم بررسی عوامل محیطی این کجروی‌ها و شناسایی مکان‌های مستعد برای ارتکاب بزه در شهرها و تلاش برای پیشگیری و کاهش آن، علت اهمیت یافتن بررسی‌های جغرافیایی جرم در مقطع کنونی است (پورا احمد، ۱۳۸۲، ص ۸۴). در همین راستا ابتدا به مروری گذرا بر پیشینه و ادبیات فنی پژوهش پرداخته (بند الف) سپس مفاهیم ارائه شده از کانون جرم‌خیز و روش‌های شناسایی آنرا (بند ب و ج) طرح می‌کنیم.

الف- تحلیل فضایی و مکانی جرم

کتله ریاضی‌دان و ستاره‌شناس بلژیکی با الهام از علم آمار، تأثیر دمای هوا و فصل و محیط جغرافیایی را بر روی افراد و محیط اجتماعی اثبات کرد. کتله در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که هر فرد همیشه، تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، در معرض برخی گرایش‌های جرم‌زا قرار می‌گیرد (Brantingham, 1991, p.34). تحقیقات کتله مورد توجه بسیاری از اندیشمندان کشورهای مختلف جهان از جمله در ایتالیا، فرانسه و آلمان قرار گرفت و همین امر موجب بروز جنبش‌های علمی جدید و از جمله ایجاد رشته‌ی جدیدی در زمینه‌ی آمار جنایی به نام کتل‌تیزم^۱ شد (شکویی، ۱۳۷۲؛ ص ۳۰). تأثیر و اهمیت مطالعات (اعمال شد) کتله در زمینه‌ی جغرافیای جرم به حدی بود که در برخی منابع کتله را پدر «آمار جنایی» و از جمله پایه‌گذاران مکتب جغرافیای جنایی معرفی نموده‌اند و گفته می‌شود تحقیقات او باعث شده است تا جرم به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود (Crowe, 2000, p. 21).

در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۲ مفاهیم بوم‌شناسی شهری که در مکتب (اعمال شد) شیکاگو پایه‌گذاری شده بود بوسیله‌ی دو پژوهشگر برجسته به نام‌های کلیفورد شاول^۲ و هنری مک‌کی^۳ به

^۱ Queteltism.

^۲ C. Shaw.

^۳ H. Mckay.

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/ ۹۷

کار گرفته می‌شود. این پژوهشگران با استفاده از خصایص بوم‌شناختی شهر، نتیجه‌ی بررسی‌های خود را به این شرح منتشر می‌کنند: بالاترین میزان جرم در محلاتی اتفاق می‌افتد که در آنها خانه‌های اجاره‌ای ارزان قیمت بیشتر باشد؛ در محلاتی که میزان جرم بیشتر است که زنان محله نیز مرتکب انواع جرایم می‌شوند؛ مجرمین بیشتر محلاتی را جهت سکونت خود انتخاب می‌کنند که مجرمین با سابقه در آن‌جا زندگی می‌کنند؛ در محلاتی که دانش‌آموزان مدارس از دبیرستان فرار می‌کنند و وقت خود را در بیرون از مدرسه بیهوده تلف می‌نمایند، میزان جرم افزایش می‌یابد و در نهایت جرم از الگوهای اجتماعی و فیزیکی شهر پیروی می‌کند (Shaw and Mckay, 1969, p.36). به دیگر سخن، وجود نارسایی در تشکیلات پلیس و دادگستری و بخش‌های رو به ویرانی شهر زمینه‌های مساعدی برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد.

از دهه‌ی 1960 به بعد، علاقه فزاینده‌ای نسبت به مطالعه نقش محیط در بزهکاری و در نقطه‌ی مقابل تاثیر شرایط محیطی در پیشگیری از جرم شکل گرفت. جفری^۱ در سال 1969 برای اولین بار نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را مطرح ساخت. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم تاکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری عامل مهم کنترل جرایم شهری است (Cozens, 2002, p.31). به اعتقاد جفری، جامعه‌شناسان به میزان قابل توجهی در عوامل اجتماعی موثر بر جرم از قبیل محرومیت، تاثیرات فرهنگی، خانواده و ... اغراق کرده‌اند و به عوامل زیستی و محیطی توجهی نداشته‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تاکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست (Jeffery, 1971, p.20). نظریه‌ی CPTED (پیشگیری از طریق طراحی محیطی) به نظر جاکوبز بهترین ابزار برای کاهش فرصت‌های محیطی است. این نظریه بر پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی مناسب محیط تاکید می‌نماید که می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و بهبود زندگی مردم شود (Jacobs, 1961, p.86).

در ادامه‌ی اندیشه‌های پیشگیری از جرم، اسکار نیومن^۲ در سال 1973، فضای قابل دفاع (دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم) را مطرح کرد. مطالعه‌ی نیومن پاسخی به میزان بالای جرایم در شهرهای آمریکا بود. به اعتقاد او فضاهای مقاوم در برابر جرم امکان مناسبی برای بازساخت

¹. Jeffery.

². Oscar Newman.

محیط مسکونی شهرها فراهم می‌آورد تا بدین وسیله محیط امن و سالمی در شهرها برای زندگی ایجاد شود (Newman, 1976, p.45). وی عقیده داشت ایجاد تغییرات فیزیکی در محیط جهت کاهش جرم اغلب موجب واکنش از طرف مجرمین می‌شود، آن‌ها مجبور به تغییر در رفتار خود یا تغییر محل ارتکاب جرم می‌شوند (Newman, 1993, p.23).

بدین سان به نظر می‌رسد بتوان سیر تکوینی پژوهش‌های مربوط به جغرافیای جرم و بوم‌شناسی جنایی (زیست-بوم)، در شهرها از گذشته تا امروز را طی سه دوره‌ی مشخص خلاصه کرد: دوره‌ی اول: تاثیر عوامل محیط طبیعی چون: آب و هوا، باد، دما، عرض جغرافیایی، کوه، دشت، دریا و... در رابطه با کجروی‌های بشری موضوع مطالعات جغرافیایی جرم در این دوره را تشکیل می‌دهد. در واقع این مطالعات با رویکردهای جبرگرایانه، ناهنجاری اجتماعی را به عوامل محیطی نسبت می‌دهد.

دوره‌ی دوم: گری و کتله در سال 1833 نخستین پژوهش‌های علمی جغرافیای جرم را با بهره‌گیری از اندیشه‌های بوم‌شناسی اجتماعی انجام دادند. آن‌ها به تشریح میزان جرم در رابطه با شرایط اجتماعی و سکونتی مختلف پرداختند (Cozens, 2002, p.10). شاید بتوان گفت اولین نقشه‌های جرم به وسیله این دو نفر ترسیم شده است. کتله به کمک اعداد و ارقام رابطه‌ی بین جرم و برخی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی را نشان داد. این روند بوسیله‌ی متفکرین مکتب بوم‌شناسی اجتماعی شیکاگو تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت و برخی متغیرهای جمعیتی (ساخت جنسی و سنی) و اقتصادی (درآمد) و مشخصه‌های مکانی (از جمله مشخصات مناطق مختلف شهری یا محل سکونت مجرم) در رابطه با جرم در نظر گرفته شد.

دوره‌ی سوم: از دهه‌ی 1990 علاقه و توجه فزاینده‌ای به پژوهش‌های مربوط به مکان و جرم در محافل علمی جهان صورت گرفته است. به نظر می‌رسد این موارد مهم‌ترین دلایل این توجه بوده است: الف) افزایش قابل توجه میزان جرم و ناهنجاری‌ها در اکثر شهرهای جهان؛ ب) در سال‌های اخیر پیشرفت‌های فنی ابزارهای پژوهش جغرافیا و از جمله سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی (GIS) موجب شد تا این ابزار در بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری در زمینه ذخیره‌سازی، تلفیق و تحلیل فضایی بزهکاری به کار گرفته شود؛ ج) توسعه‌ی علمی نظریه‌های مکانی جرم در بررسی‌ها جغرافیایی جرایم شهری به دلیل تازگی و جدید بودن موضوع (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۲۲). در مقابل مباحث مربوط به جغرافیای بزهکاری و مطالعه‌ی رابطه جرم و مکان در کشور ما، تنها طی چند

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۹۹

سال اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و بررسی‌ها نشان از افزایش توجه به موضوع فوق در متون علمی کشور دارد.

ب- مفهوم کانون جرم‌خیز و روش‌های شناسایی آن

اصطلاح کانون‌های جرم‌خیز^۱ اولین بار توسط شِرمَن، کارتین و برگر در سال ۱۹۶۹ و برای تحلیل مکانی بزهکاری مورد استفاده قرار گرفت. این واژه بیان‌گر یک مکان یا محدوده‌ی جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالاست. حدود این مکان می‌تواند بخشی از یک شهر، یک محله، چند خیابان مجاور و حتی ممکن است یک خانه یا یک مجتمع مسکونی باشد (Sherman and others, 1989, p.37). برخی نیز در تعریف کانون‌های جرم‌خیز آن را معادل مکان‌های کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش‌بینی، حداقل در یک دوره‌ی زمانی یکساله دانسته‌اند (Taylor, 1998, p.4).

مرکز کاهش بزهکاری وابسته به وزارت کشور انگلستان، کانون‌های جرم‌خیز را به شرح زیر توضیح داده است: «یک ناحیه‌ی جغرافیایی که در آن ارتکاب بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است» (Eck and Weisburd, 1995, p.24). مطابق این تعریف کانون‌های جرم‌خیز محدوده‌های مشخص و معینی هستند که سهم زیادی از کل جرایم در کل محدوده‌ی مورد مطالعه را در خود جای داده‌اند. کلارک نیز کانون‌های جرم‌خیز را محدوده‌هایی می‌داند که نسبت به محدوده‌های دیگر مردم برای درخواست کمک، بیشتر با پلیس تماس می‌گیرند (Felson and Clarke, 1998, p.15).

روش‌های متفاوتی برای شناسایی و فهم الگوهای بزهکاری وجود دارد که تحلیل‌گران بزهکاری می‌توانند داده‌های مربوط به جرم را ترسیم و به وسیله‌ی آن کانون‌های جرم‌خیز را تشخیص دهند که هر یک با توجه به نوع و هدف مطالعه و اطلاعات مورد استفاده به کار گرفته می‌شود (Anselin, 2000, p.47). آنچه اهمیت دارد این است که در تعیین محدوده‌های جرم‌خیز آستانه یا مرز قطعی وجود ندارد و در بین دانشمندان و صاحب‌نظران نیز توافق بر سر تعریف این محدوده‌ها وجود ندارد. به عنوان مثال، نمی‌توان به طور مشخص و دقیق اظهار داشت

^۱ اصطلاح Hotspots از علم زمین‌شناسی اقتباس شده است و به محل خروج ماگما و مواد مذاب آتشفشانی

اطلاق می‌شود (کلاتری، ۱۳۸۰).

یک محدوده بایستی از حداقل چه میزان جرم برخوردار باشد تا مکانی جرم خیز تلقی شود. بدیهی است عواملی چون اندازه‌ی ناحیه، میزان تمرکز و تراکم و تکرار بزه در طول زمان می‌تواند در این تشخیص موثر باشد (توکلی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). در بیشتر موارد محدوده‌های جرم خیز با روش مشاهده و درک بصری تعیین می‌گردد.

یکی از دلایلی که تشخیص حدود و ثغور کانون‌های جرم خیز را دشوار می‌سازد این نکته است که طبق تحقیقات صورت گرفته مرز این محدوده‌ها در طول زمان تغییر می‌یابد و نه تنها اندازه‌ی محدوده‌های جرم خیز کوچک یا بزرگ می‌شود بلکه این احتمال وجود دارد که یک کانون جرم خیز در طول زمان از بین رفته یا جا به جا شده و به محدوده‌های دیگری از شهر منتقل گردد (Sherman and others, 1989, p.49). به دیگر سخن، تغییر و دگرگونی در شرایط مکانی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی یک شهر باعث می‌شود تعداد کانون‌های جرم خیز یک شهر در طول زمان کم یا زیاد شده و یا این که موقعیت مکانی این محدوده‌ها تغییر کند یا اندازه و وسعت آن‌ها کوچک‌تر یا بزرگ‌تر شود.

به‌رغم تمامی محدودیت‌های فوق و نبود توافق بر سر تعریف محدوده‌های جرم خیز، کیت هریس در کتاب خود سه معیار برای تشخیص و تعیین حدود نقاط جرم بیان داشته است؛ فراوانی بزه، کوچک بودن محدوده‌ی محل وقوع جرایم و محدودیت زمانی برای تکرار بزه (Harries, 1999, p.113). گفتنی است بین دانشمندان بر سر تعداد و فراوانی بزه در مکان‌های جرم خیز وحدت نظر وجود دارد، لیکن بر سر وسعت و حدود جغرافیایی اختلاف نظر دیده می‌شود به گونه‌ای که برخی وسعت آن را یک مایل مربع یا یک محله یا یک ناحیه دانسته‌اند (Eck and Weisburd, 1995, p.23).

در میان روش‌های شناسایی کانون‌های جرم خیز برخی روش‌های آماری یکپارچه وجود دارد که به تحلیل‌گران کمک می‌کند تا الگوهای کلی و عمومی بزهکاری را درک نمایند. آمارهای کلی اولیه نشان می‌دهد که چگونه با آزمون‌های ساده می‌توان حتی قبل از آن که نقشه‌ای ترسیم کرد، درکی از مکان یک کانون جرم خیز به دست آورد (Harries, 1999, p.125). برخی از مهم‌ترین آزمون‌های اولیه در این رابطه عبارتند از: مرکز متوسط، فاصله از انحراف معیار، بیضی انحراف معیار و آزمون‌های دسته‌بندی.

تقریباً در بین تمامی روش‌ها، استفاده از نقشه به عنوان یک روش گرافیکی شناسایی کانون‌های جرم خیز، در نمایش اطلاعات مجرمانه جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه بکارگیری نقشه‌های بزهکاری

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۰۱

در کلیه مطالعات جغرافیایی بزهکاری اهمیت زیادی یافته است. لیکن در تحلیل مکان‌های جرم‌خیز این استفاده به مراتب مهم‌تر و غیرقابل انکار است. بی‌اغراق نقشه در بسیاری از موارد می‌تواند حاوی اطلاعاتی باشد که در چندین صفحه‌ی گزارش نیز قابل خلاصه کردن نیست. علاوه بر این، نقشه‌ها درک بصری مشکلات اجتماعی را برای مسئولین تسهیل نموده و اتخاذ تصمیم را سهل‌تر می‌نماید. (اعمال شد) تا اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی یعنی بیست سال قبل، استفاده از رایانه در تحلیل بزهکاری و از جمله ترسیم نقشه‌های جرم حتی در کشورهای پیشرفته مرسوم نبود، لیکن از سال ۱۹۹۵ به بعد و به دلیل کاهش شدید قیمت رایانه و همه‌گیر شدن سخت‌افزار و نرم‌افزارهای مربوط، استفاده از رایانه در تحلیل‌های مکانی جرم بسیار اهمیت یافته است (مقصودی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

برای نمایش هر یک از تمرکزها در سطح مکان یا نشانی‌های خاص (نقطه)، خیابان، محله یا محدوده‌های تکرار بزهکاری نقشه‌ی خاصی مورد نیاز است. اهمیت موارد فوق بدین جهت است که بوسیله‌ی آن نحوه تهیه نقشه و چگونگی نمایش کانون‌های جرم‌خیز بر روی آن مشخص می‌شود. از جمله این روش‌ها می‌توان به نقشه‌های نقطه‌ای، ترسیم نقشه‌های موضوعی از محدوده‌های جغرافیایی، نقشه‌های خطی، نقشه‌های بیضوی و هم‌میزان، روش تحلیل شبکه‌ای و روش تخمین تراکم کرنل^۱ اشاره نمود (Harries, 1999, p. 175).

مناسب‌ترین روش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطح پیوسته، روش تراکم کرنل چهارگانه است. این روش سطح همواری از تغییرات در تراکم نقاط جرم در روی محدوده ایجاد می‌نماید. در این روش دو متغیر مورد نیاز است. این دو متغیر، اندازه‌ی سلول شبکه و پهنا‌ی باند شعاع جستجو است. پهنا‌ی باند متغیری است که موجب تفاوت‌هایی در نتیجه می‌شود (تیموری و رجایی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۴). پهنا‌ی باند باریک‌تر را می‌توان برای کاربردهایی نظیر تعیین محدوده‌های مناسب گشت‌های پلیس در نظر گرفت، نه برای مواردی که هدف از ترسیم نقشه یافتن دیدگاهی راهبردی برای شناسایی کانون‌های جرم‌خیز است. استفاده فزاینده‌ی ترسیم نقشه به روش تخمین تراکم کرنل، عمدتاً به دلیل جنبه‌های دیداری و در دسترس بودن آن است.

برای شناسایی الگوهای بزهکاری در سطح شهر کرمان از بین روش‌های آماری اولیه، دو روش مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار برای توصیف الگوها و خصوصیات فضایی کلی بزهکاری در این محدوده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این آمارها به عنوان آمارهای رتبه اول شناخته

^۱. Quartic Kernel.

می‌شوند و امکان بهتری برای تشخیص توزیع کلی جرایم فراهم می‌کند. پس از شناسایی الگوهای کلی بزهکاری، برای ترسیم نقشه‌های بزهکاری نیز از روش تخمین تراکم کرنل استفاده گردید.

گفتار دوم: جامعه‌ی آماری پژوهش

جامعه‌ی آماری عبارتست از همه اعضای واقعی یا فرضی که علاقمند هستیم یافته‌های پژوهش را به آن‌ها تعمیم دهیم (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷). با این تفسیر جامعه‌ی آماری این پژوهش، تمام افرادی هستند که از یک طرف در زمان مورد بررسی در این پژوهش مرتکب یکی از جرایم مرتبط با مواد مخدر شده و طبق رسیدگی‌های قضایی جرم آن‌ها محرز تشخیص داده شده است و از طرف دیگر، محل ارتکاب جرم این افراد در محدوده‌ی جغرافیایی شهر کرمان بوده است. از آن‌جا که بدنبال ترسیم سیمای جرایم مرتبط با مواد مخدر ارتكابی در شهر کرمان در یک بازه زمانی یکساله می‌باشیم سال ۱۳۸۷ را با در نظر گرفتن نزدیک‌ترین سال ممکن به زمان پژوهش و نیز در دسترس بودن آمار و اطلاعات در دادگاه انقلاب شهرستان کرمان به عنوان سال نمونه انتخاب گردید.

الف- روش تحقیق

از آن‌جا که تعداد پرونده‌های تشکیل شده در دادگاه انقلاب شهرستان کرمان در سال نمونه یعنی سال ۱۳۸۷، ۴۴۴۸ فقره می‌باشد، جهت صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ها از روش نمونه‌گیری سیستماتیک^۱ استفاده می‌شود.^۲ مطابق فرمول کوکران برای ضریب اطمینان ۹۵ درصد و ضریب

^۱ . Systematic Sampling.

^۲ . اگر افراد جامعه به صورت تصادفی فهرست شده باشند می‌توان نمونه‌گیری منظم (سیستماتیک) را به جای نمونه‌گیری تصادفی ساده بکار برد. اما در صورتی که افراد جامعه با توجه به یک نظم معین بر اساس ویژگی یا ویژگی‌هایی فهرست شده باشند باید از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده کرد (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹). روش سیستماتیک آسان‌تر از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و تفاوت آن با روش نمونه‌گیری ساده در این است که در این روش انتخاب هر عضو مستقل از انتخاب سایر اعضای جامعه نیست. هنگامی که اولین عضو انتخاب شد بقیه‌ی اعضای نمونه مورد نظر به صورت خودکار تعیین می‌شوند.

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۰۳

خطای ۰/۰۵ مطالعه‌ی تعداد ۳۵۰ پرونده کفایت می‌کرد، ولی برای اطمینان از جامعیت داشتن پژوهش تعداد ۷۵۰ پرونده مورد مطالعه قرار گرفت. برای استفاده از این روش ابتدا حجم جامعه‌ی کل پرونده‌ها ($N=4448$) و تعداد نمونه‌ای (تعداد پرونده‌های انتخابی؛ $n=750$) که قصد انتخاب داریم را تعیین می‌کنیم، سپس از تقسیم N بر n عدد $k=6$ (فاصله نمونه‌گیری) را بدست می‌آوریم و از فاصله‌ی ۱ تا k عددی تصادفی انتخاب می‌کنیم (r)، آن‌گاه واحدهای دیگر نمونه با اضافه کردن ضرایب صحیح از عدد k به مقدار r بدست می‌آیند.

با توجه به اهداف خاص این تحقیق و چارچوب و فرضیه‌ی آن، استفاده از پرسش‌نامه‌ی استاندارد عملاً ممکن نبود، زیرا از یک سوی پرسش‌نامه‌ی استاندارد وجود نداشت و از سوی دیگر، به نظر می‌رسید با توجه به رویکرد خاص جرم‌شناسی، مراجعه و استفاده از پرسش‌نامه‌هایی که اکثراً مربوط به پژوهش‌های علوم اجتماعی است، نمی‌توانست مفید باشد. بر همین اساس، با توجه به تعاریف عملیاتی موجود از متغیرهای فرضیه و اصول کلی نحوه تنظیم پرسش‌نامه به تنظیم پرسش‌نامه مورد استفاده در این پژوهش پرداخته شد. سپس در یک بازه‌ی زمانی یک‌ماهه داده‌های مورد نیاز در پرسش‌نامه از پرونده‌های سال ۱۳۸۷ موجود در دادگاه انقلاب شهرستان کرمان استخراج شد.

شایان ذکر است با توجه به این که قلمرو موضوعی و مکانی تحقیق محدود به جرایم مواد مخدر ارتكابی در شهر کرمان می‌باشد، حدود ۱۲ درصد (تعداد ۸۵ پرونده) از پرونده‌های مورد مطالعه که جرم ارتكابی آن‌ها خارج از حوزه شهر کرمان رخ داده بود و همچنین حدود ۲ درصد (تعداد ۱۳ پرونده) از آن‌ها که شامل جرمی غیر از جرایم مرتبط با مواد مخدر (مانند حمل سلاح، قاچاق کالا، نگهداری و فروش سی‌دی‌های مبتدل و...) بودند از جامعه‌ی نمونه‌ی آماری حذف شدند و در نهایت تعداد ۶۴۹ پرونده، محتوی ۱۳۶۸ فقره انواع جرائم مربوط به مواد مخدر^۱، در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در مرحله بعدی از پژوهش با استفاده از نرم افزارهای Office/Excel

^۱. اکثر پرونده‌ها حاوی دو یا چند نوع جرم از انواع جرایم مواد مخدر بودند. به طور مثال یک پرونده‌ی تشکیل شده در دادگاه انقلاب شهرستان کرمان شامل جرایم نگهداری ماده‌ی مخدر تریاک و حمل آن و اعتیاد به شیره‌ی تریاک می‌باشد.

پایگاه داده‌ای تشکیل و اطلاعات پرسشنامه‌ها در این پایگاه ذخیره گردید. سپس با استفاده از نرم‌افزار Spss به تحلیل توصیفی و استنباطی^۱ پرداخته شد.

همان طور که در جدول شماره‌ی (۱) دیده می‌شود مد (نما) پرونده‌های مورد بررسی از نظر نوع جرم ارتكابی، نگهداری مواد مخدر است که دارای بیشترین فراوانی (۵۳۲ فقره) در بین هفت جرم ارتكابی است. به عبارت دیگر، حدود ۳۹ درصد جرائم ارتكابی از نوع نگهداری مواد مخدر است، در مرتبه‌ی دوم جرم اعتیاد قرار دارد که بالغ بر ۲۹ درصد از جرائم فوق را با تعداد ۳۹۱ فقره تشکیل می‌دهد. پس از جرم اعتیاد، حمل مواد مخدر با ۳۵۶ فقره دارای بیشترین فراوانی است که برآورد درصد آن در بین جرائم ارتكابی حدود ۲۶ درصد است. کسانی که به استعمال مواد مخدر مبادرت ورزیده‌اند ۴/۶ درصد این پژوهش را تشکیل می‌دهند و در نهایت خرید و فروش مواد مخدر با ۱/۸ درصد و دایر کردن مکان برای استعمال و ساخت آلات استعمال مواد مخدر در مجموع با درصدی کمتر از یک درصد کمترین فراوانی را دارا می‌باشند.

طبق گزارش عملکرد سالانه‌ی ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در سال ۱۳۸۷ در استان کرمان ۶۱۲۵ نفر به علت ارتكاب جرائم مرتبط با مواد مخدر وارد زندان شده‌اند که از این تعداد ۲۱۱۷ نفر آن‌ها به جرم اعتیاد و بقیه به جرم قاچاق، توزیع، حمل و نگهداری مواد مخدر دستگیر و محاکمه شده‌اند و نسبت این تعداد به کل ورودی‌های زندان در استان کرمان ۳۸/۲ درصد می‌باشد زیرا در این سال ۱۶۰۱۷ نفر به علت ارتكاب جرم به زندان یا سایر مجازات‌های منتهی به حبس محکوم شده‌اند، در حالی که این نسبت در سطح کشور چیزی حدود ۴۵ درصد است.

^۱ آمار توصیفی: روش آماری که در طبقه‌بندی، خلاصه کردن و برقراری ارتباط از طریق اطلاعات جمع‌آوری شده کمک می‌کند. آمار استنباطی: روش آماری که پژوهشگر را قادر می‌سازد تا با استفاده از داده‌های دانسته شده به اطلاعات ناشناخته برسد (همان، ص ۵۲).

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۰۵

جدول شماره (۱): نوع و میزان جرایم ارتكابی

نوع ارتكاب	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خرید و فروش مواد مخدر	۲۴	۱/۸	۱/۸
حمل مواد مخدر	۳۵۶	۲۶	۲۷/۸
نگه داری مواد مخدر	۵۳۲	۳۹	۶۶/۸
اعتیاد	۳۹۱	۲۸/۵	۹۵/۳
استعمال	۶۳	۴/۶	۹۹/۹
جمع	۱۳۶۶	۱۰۰	

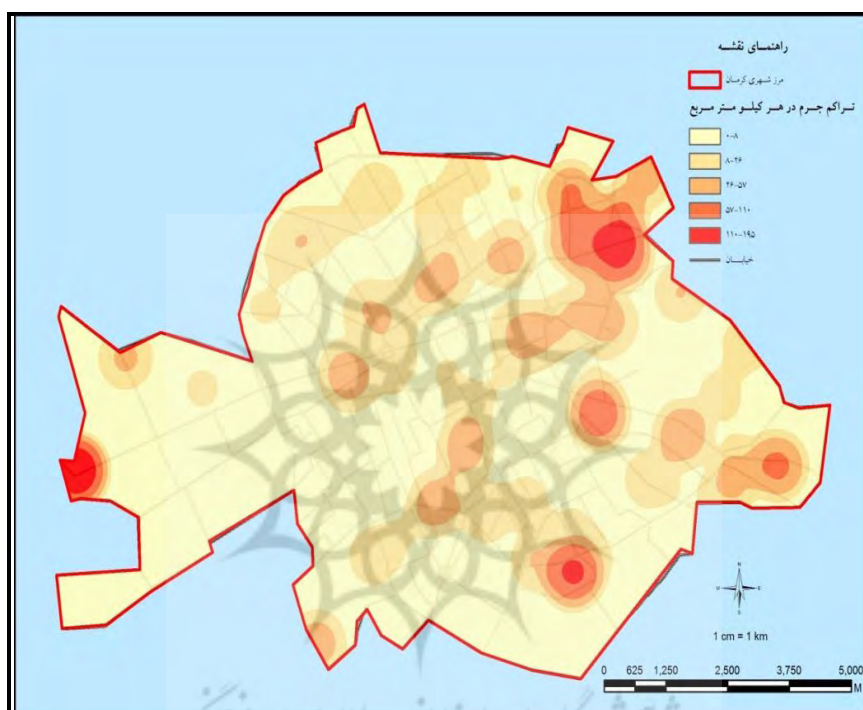
از کل ۶۴۹ پرونده نمونه‌ی مورد بررسی جرایم ۵۴۸ پرونده توسط مردان و ۱۰۱ بزه توسط زنان به وقوع پیوسته است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قسمت اعظم جرایم یعنی حدود ۸۴ درصد آن توسط مردان و تنها ۱۵ درصد مجرمین جامعه مورد پژوهش را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین بیش از ۷۰ درصد مجرمین را افراد متاهل تشکیل می‌دهند، در مقابل ۳۰ درصد که افراد مجرد می‌باشند. این داده‌ها چندان با وضعیت معتادان کشور بر اساس تحقیق RSA (تحقیق ارزیابی سریع سوء مصرف مواد مخدر در ایران) مطابقت ندارد. زیرا در آن‌جا فقط نیمی از معتادان متاهل می‌باشند و در نهایت این که بررسی سواد مجرمین نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ی بزهکاران باسواد می‌باشند زیرا برآورد درصد باسوادان مجرمین جامعه نمونه آماری معادل ۸۴ درصد می‌باشد.

ب- پراکنندگی مکانی جرایم ارتكابی

همان‌طور که در ابتدای پژوهش بیان شد روش‌های متفاوتی برای شناسایی و فهم الگوهای بزهکاری وجود دارد که تحلیل گران بزهکاری می‌توانند داده‌های مربوط به جرم را ترسیم و بوسیله‌ی آن کانون‌های جرم‌خیز را تشخیص دهند. آنچه اهمیت دارد این است که در تعیین محدوده‌های جرم‌خیز آستانه یا مرز قطعی و همچنین در بین دانشمندان و صاحب‌نظران نیز توافق بر سر تعریف این محدوده‌ها وجود ندارد.

مناسب‌ترین روش که در این پژوهش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطح پیوسته و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز به کار گرفته شده، روش تخمین تراکم کرنل است. بر اساس روش یاد شده و به منظور تشخیص کانون‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر در محدوده‌ی شهر کرمان این محاسبات در نرم‌افزار ArcGIS انجام گرفت که نتیجه‌ی آزمون در نقشه‌های شماره‌ی (۱) و (۲) آورده شده است. با بررسی نقشه‌های بدست آمده با این روش به این نتیجه

می‌رسیم که توزیع جرایم مرتبط با مواد مخدر در سطح شهر کرمان به گونه‌ای است که بخش‌هایی از شهر با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه است و به عکس برخی مناطق شهری دارای تراکم جرم کم و حتی عاری از جرم می‌باشد.



نقشه‌ی شماره‌ی (۱): شناسایی کانون‌های جرم خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمان طبق نقشه (۱) که کانون‌های جرم خیز جرایم مواد مخدر شهر کرمان را به تصویر کشیده است در اطراف محله‌ی فیروزآباد و خیابان‌های حکیم و باستانی پاریزی و منطقه‌ای از شهر موسوم به پشت بند خاکی، کانون جرم‌خیزی وجود دارد که در قسمتی از این لکه‌ی بزرگ تراکم جرایم به غلظت ۱۹۵-۱۱۰ جرم در هر کیلومتر مربع می‌رسد.

کانون جرم‌خیز مذکور، خیابان‌های شهدای دارلک و شهداء را نیز در بر گرفته است. البته غلظت جرم به ۱۱۰-۵۷ جرم در هر کیلومتر مربع کاهش می‌یابد. بنابراین این منطقه از شهر از یک وضعیت بحرانی تری نسبت به سایر نواحی برخوردار است، در حالی که بخش‌های وسیعی از شهر

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۰۷

کرمان دارای تراکم ۸-۰ فقره جرم در هر کیلومتر مربع است. لکه‌ی دیگر دارای تراکم ۱۹۵-۱۱۰ فقره جرم در هر کیلومتر مربع که در انتهای بلوار جمهوری قرار دارد مربوط به فرودگاه شهر کرمان است و بیانگر این است که از حجم قابل توجهی از مسافران بویژه حجاج مواد مخدر کشف شده است. وضعیت زندان شهر هم بحرانی است و جزء کانون‌های جرم‌خیز اصلی شهر قرار می‌گیرد، در صورتی که می‌بایست محیط زندان مکانی برای بازپروری و اصلاح مجرمین، خصوصاً مجرمین مرتبط با مواد مخدر باشد. علاوه بر وجود این کانون‌های مهم، چند کانون فرعی نیز در سایر محلات تشکیل شده است. محلات سلسبیل و سرآسیاب از تراکم ۱۱۰-۵۷ فقره جرم در هر کیلومتر مربع برخوردارند و در درجه‌ی بعد محله‌ی توکل آباد، ترمینال و اطراف پارک مطهری، ایستگاه راه آهن شهر، خیابان مهدیه و بازار کرمان از کانون‌های کم اهمیت‌تر شهر به حساب می‌آیند.

در ادامه برای اثبات دقیق‌تر این امر می‌توان از آزمون‌های آماری مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار بهره جست (نقشه‌ی شماره‌ی ۲). نقطه‌ی مرکز متوسط را می‌توان به عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه‌ی توزیع فضایی انواع گوناگون جرم یا برای بررسی وقوع یک نوع جرم خاص در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفت؛ اندازه‌گیری جابجایی یک نوع جرم خاص از این جمله است. مرکز متوسط جرایم نسبت به توزیع و پراکندگی نقاط جرم در سطح شهر محاسبه می‌شود (منصورفر، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴).

همچنین برای تحلیل سطوح پراکندگی مکان‌های وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمان از بیضی انحراف معیار استفاده می‌شود. در این آزمون اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن جهت حرکت رفتارهای مجرمانه را نشان می‌دهد (همان، ص ۲۱۵). طبق نقشه‌ی شماره‌ی (۲) که مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار مکان‌های وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در سطح شهر کرمان را نشان می‌دهد، مرکز متوسط کل جرایم مواد مخدر تقریباً منطبق با بخش مرکزی شهر کرمان می‌باشد که در تقاطع خیابان‌های شریعتی و شهید چمران قرار دارد و از مرکز شهر به سمت شرق و غرب متمایل است. به نظر می‌رسد علت این استقرار، قرارگیری نقاط جرم در بخش شرقی در امتداد خیابان‌های فیروزآباد و حکیم و شهداء و همچنین وجود نقاط متراکم و نسبتاً نزدیک به هم در جنوب غربی شهر و در نهایت وجود کانونی جرم‌خیز در منتهی‌الیه غربی شهر یعنی فرودگاه باشد.

مرکز متوسط جرم حمل مواد مخدر منطبق بر میدان مشتاقیه شهر است و امتداد بیضی انحراف معیار نشان‌دهنده‌ی پراکندگی این جرم در شمال شرقی و جنوب غربی می‌باشد. در مورد بزه

نگهداری مواد مخدر این نقطه مطابق مرکز متوسط کل جرایم بر تقاطع خیابان‌های شریعتی و شهید چمران واقع شده است و امتداد بیضی انحراف معیار نیز به سمت شرق و غرب شهر می‌باشد. مرکز متوسط جرم خرید و فروش مواد مخدر در ابتدای خیابان شهداء نزدیک میدان مشتاقیه و امتداد بیضی نیز نشان‌دهنده‌ی پراکندگی این نوع جرم در سمت شمال شرقی و جنوب غربی می‌باشد. در نهایت مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرم اعتیاد و استعمال مواد مخدر نشان می‌دهد که این جرایم به مرکزیت میدان مشتاقیه و در امتداد شمال شرقی و جنوب غربی هستند.



نقشه‌ی شماره‌ی (۲): مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم مرتبط با مواد مخدر در شهر

کرمان

گفتار سوم: یافته‌ها و بحث

الف- کانون‌های جرم‌خیز مواد مخدر شهر کرمان

همان‌طور که مشاهده گردید مهم‌ترین کانون‌های جرم‌خیز مواد مخدر شهر کرمان در اطراف بخش مرکزی و بافت قدیمی شهر قرار گرفته است؛ هر چند با توجه به ساخت فرهنگی شهر و همچنین نزدیکی با مرزهای شرقی کشور و رواج مواد مخدر در این ناحیه از کشور، سراسر شهر

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۰۹

کرمان دارای کانون‌های جرم خیز هرچند فرعی می‌باشد. مهم‌ترین کانون‌های وقوع این جرایم، را بر حسب کاربوری و شرایط کالبدی محل ارتکاب جرم می‌توان، به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

محلات قدیمی شهر کرمان:

تعداد قابل توجهی از جرایم مواد مخدر درون منازل یا در حوالی آن رخ داده است که اگر چه تقریباً در تمام سطح شهر پراکنده شده است، ولی برخی محلات قدیمی شهر کرمان از میزان و تراکم جرم بالایی برخوردارند. مهم‌ترین کانون‌های جرم خیز شهر کرمان در همین محلات قدیمی شهر ایجاد شده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محله‌ی فیروزآباد: این محله با وسعت تقریبی ۲۹۱ هکتار در بخش شمال شرقی شهر کرمان حد فاصل خیابان‌های دادبین و کمربندی و بلوار شهدای خانوک قرار می‌گیرد. این محله مهم‌ترین کانون جرم خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر شناسایی شده در این پژوهش می‌باشد که معادل ۲۰ درصد از کل جرایم جامعه‌ی نمونه‌ی آماری برابر با ۲۸۰ فقره جرم در این محدوده و منطقه‌های مجاور این محله خصوصاً نقطه‌ای موسوم به پشت بند خاکی رخ داده است و به طور تخمینی ۵ درصد جمعیت شهر کرمان معادل ۲۵ هزار نفر را در خود جای داده است.

محله‌ی سرآسیاب (فرسنگی): این محله با ۵۰ فقره جرم ارتكابی معادل ۳/۶ درصد از کل جرایم ارتكابی مواد مخدر در شهر کرمان، از کانون‌های مواد مخدر شهر به حساب می‌آید که با وسعتی برابر با ۴۳۲ هکتار در قسمت جنوب شرقی حد فاصل اتوبان کرمان-بم و کوه‌های صاحب‌الزمان و انتهای خیابان سرباز قرار گرفته است. این محله با جمعیتی حدوداً برابر با ۲۲ هزار نفر، ۴ درصد از جمعیت شهر کرمان را در خود جای داده است.

محله‌ی سلسیل (میلاد): این محله‌ی قدیمی شهر کرمان از دیگر کانون‌های جرم خیز مواد مخدر شهر کرمان محسوب می‌شود که با وسعتی معادل ۲۷۰ هکتار نزدیک به ۵ درصد معادل ۶۸ فقره جرم از جرایم ارتكابی مورد مطالعه در این پژوهش را به خود اختصاص داده است. این محله با جمعیتی برابر با ۲۳ هزار نفر در بخش شرقی کرمان حد فاصل خیابان‌های شهید کرمی و بلوار ۲۲ بهمن و بزرگراه امام خمینی (ره) قرار گرفته است.

محله‌ی توکل آباد: این محله نیز یکی دیگر از محلات قدیمی شهر کرمان است که متأسفانه به دلایلی عدیده با مشکل مواد مخدر مواجه است به طوری که از کل جرایم ارتكابی جامعه‌ی نمونه‌ی آماری تعداد ۳۷ فقره جرم معادل ۲/۷ درصد در این محدوده‌ی کوچک رخ داده است. این منطقه با جمعیتی معادل ۱۷ هزار نفر و وسعتی برابر با ۱۷۵ هکتار در قسمت شرقی شهر و حد

فاصل خیابان سرباز و بزرگراه امام خمینی (ره) و خیابان شهید کرمی و در کنار محله‌ی سلسبیل قرار دارد.

از دحام جمعیت و مهاجرپذیر بودن این ناحیه، بویژه از شهرستان بم و شهداد، و جابه‌جایی ساکنین اصلی به نواحی شمالی و غربی شهر و همچنین حضور کمرنگ نیروی انتظامی (نظارت رسمی) از جمله دلایل شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز مواد مخدر در این مناطق است. (اعمال شد) از دلایل کالبدی موثر بر تراکم زیاد جرایم مرتبط با مواد مخدر در این مناطق می‌توان به فشردگی کاربری مسکونی در این بخش و کمبود بسیاری از امکانات شهری از جمله کاربری‌های فرهنگی، ورزشی، فضای سبز و گذران اوقات فراغت که زمینه‌های تفریح و فعالیت سالم و جلوگیری از ورود جمعیت نوجوان و جوان به گروه‌های بزهکاری را فراهم می‌سازد اشاره کرد. زندان: زندان شهر کرمان در انتهای خیابان شهید مصطفی خمینی با داشتن ۷۹ فقره جرم مواد مخدر از مجموع ۱۳۶۸ فقره جرم جامعه‌ی نمونه‌ی آماری، ۶ درصد از جرایم ارتكابی را به خود اختصاص داده است. شاید بتوان گفت یکی از معضلات اساسی زندان‌های سراسر کشور شیوع مواد مخدر در آن‌هاست. از نکات جالب توجه یافت شدن تقریباً تمامی انواع مواد مخدر از تریاک تا کراک در داخل زندان است که البته تعداد معدودی از این جرایم از خانواده‌ی فرد زندانی در بازرسی هنگام ملاقات کشف شده است.

فرودگاه شهر کرمان و سایر پایانه‌های مسافری:

طبق نقشه‌ی شماره‌ی (۱) یکی از مهم‌ترین کانون‌های جرم‌خیز، فرودگاه شهر کرمان است که با تراکم بالای جرم به رنگ تیره‌تر در انتهای بلوار جمهوری مشخص است. طبق بررسی به عمل آمده از مجموع جرایم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر مورد مطالعه در این تحقیق تعداد ۱۳۱ فقره جرم در بازرسی این مرکز کشف شده است که نزدیک به ۹۰ درصد آن‌ها از نوع نگهداری یا حمل تریاک می‌باشد. در گزارش‌های پلیس فرودگاه مندرج در پرونده‌های مورد بررسی، اکثراً اشاره شده است که فرد زائر بیت‌الله‌الحرام می‌باشد. اعتیاد و حمل مواد مخدر توسط حجاج و عمره‌گزاران، علاوه بر این که برای خود این افراد چه در ایران و چه در کشور عربستان مشکل ایجاد می‌کند، به حیثیت کشور ایران و هویت ملی لطمه وارد می‌کند زیرا در عربستان نسبت به این مسئله حساسیت زیادی نشان داده می‌شود و حتی برای کشف مواد مخدر گاهی اوقات از سگ‌های آموزش دیده استفاده می‌کنند که اعتراض حجاج ایرانی را نیز در پی داشته است. بهتر

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۱۱

است با استفاده از ترندهایی مانند گرفتن تست عدم اعتیاد قبل از اعزام حجاج به سرزمین وحی از مشکلات آتی آن پیشگیری کرد.

محل های پیاده و سوار شدن مسافران به شهر کرمان دیگر کانون های کشف مواد مخدر شهر کرمان هستند. ایستگاه راه آهن شهر با داشتن تعداد ۲۸ فقره جرم از کل جرایم ارتكابی مورد مطالعه و ترمینال و پارک جنب آن در بلوار قدس با ۲۷ فقره جرم مهم ترین پایانه های مسافربری بین شهری هستند که دارای فرصت های مناسب ارتكاب جرم می باشند. شاید بتوان گفت علت تبدیل ترمینال مسافربری و پارک مسافر جنب آن به یک نقطه جرم خیز از این نکته ناشی می شود که از یک طرف این مجموعه از شهر کرمان دارای بافتی قدیمی و فرسوده و فاقد هرگونه امکانات موجود در یک ترمینال مطابق با استاندارد است. همین ساختار نامناسب و عدم مدیریت لازم، این محل را به مکانی برای افراد بی خانمان و معتادی تبدیل کرده است که از سایر شهرها به کرمان مهاجرت کرده اند منتهی نتوانسته اند برای خود مسکنی فراهم آورند و در اطراف ترمینال سکنی گزیده اند. از طرف دیگر، عده ای از توزیع کنندگان خرد مواد مخدر نیز جهت فروش مواد مخدر به مسافری وارد شده به شهر در اطراف ترمینال برای خود پایگاهی درست کرده اند. (اعمال شد) از حدود بیست سال پیش بنا به نیاز شهری پروژه ترمینال مسافربری جدید شهر کرمان کلید خورده ولی تا زمان نوشتن این مطلب به مرحله بهره برداری نرسیده است.

شهرک های مسکونی حاشیه ای:

گسترش آلونک نشینی و مهاجرت بی رویه از روستا به شهرهای بزرگ موجب ایجاد شهرک های حاشیه ای با معضلات فراوان اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شده است. حاشیه نشینی یکی از پدیده هایی است که در اکثر شهرهای بزرگ کشور مشاهده می شود ولی این پدیده به دلیل بروز زمین لرزه ی بم و خشکسالی در روستاها و در نهایت وجود افغانه مجاز و غیرمجاز در کرمان تشدید شده است و وضعیتی ناهنجار در حاشیه ی شهر کرمان پدید آورده است که نمونه ی اسفناک آن آلونک سازی های صورت گرفته در شهرک پدر به عنوان بزرگترین شهرک حاشیه ای شهر کرمان است.

همراه با توسعه فزاینده ی نواحی حاشیه ای شهر کرمان، یکی از مسائلی که روز به روز خود را بیشتر نمایان می کند، افزایش جرایم و ناهنجاری های اجتماعی است که عواملی همچون کمبود نیروهای انتظامی و امنیتی، پنهانی نسبی مناطق حاشیه ای از نظر گاه قانون و ماموران، تنوع فرهنگی و قومی، پایین بودن نسبی سطح فرهنگ ساکنان، آزادی نسبی از قید و بندهای نواحی روستایی مبداء

مهاجرت و کنترل اجتماعی ضعیف، سوء بهره برداری از فناوری‌های نوین و همچنین بیکاری و پایین بودن درآمد بر آن موثر است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم فراوانی بزهکاری در این محدوده‌ها این است که بزهکاران در ارزیابی این مکان‌ها در می‌یابند که جامعه و سازمان‌های رسمی و غیررسمی اجتماعی، توانایی و امکان کنترل مناسب این محدوده‌ها را نداشته و لذا در این مکان‌ها امکان مناسب‌تری برای ارتکاب بزه با حداقل خطر و تهدید وجود دارد.

مراکز تفریحی و میادین اصلی شهر:

پارک‌ها و برخی اماکن شهر کرمان که به عنوان مکان‌های تفریح و محل گذران اوقات فراغت مورد استفاده شهروندان کرمانی قرار می‌گیرد از طرف برخی از مجرمان به کانون‌های جرم‌خیز مواد مخدر و مکانی مناسب برای ارتکاب جرم تبدیل شده است. از جمله این مکان‌ها می‌توان به پارک مطهری مجاور ترمینال مسافری، مجموعه پارک جنگلی قائم و کوه صاحب‌الزمان اشاره کرد که از طرف برخی افراد منحرف مناسب ارتکاب جرم تشخیص داده شده است. علت این امر نیز حضور توزیع‌کنندگان خرد مواد مخدر در این اماکن است، زیرا از یک سو، فضا و شرایط فیزیکی موجود در این پارک‌ها امکان فرار کردن این افراد از دست مأموران پلیس و همچنین مخفی کردن مواد مخدر در بین بوته‌های انبوه را می‌دهد و از سوی دیگر، حضور گسترده مردم به خصوص جوانان و مسافری وارد شده به شهر در این مناطق بازار مناسبی را برای فروش مواد مخدر فراهم می‌آورد.

میدان‌های اصلی واقع شده در نواحی شرقی و جنوبی شهر نسبت به سایر میدان‌های موجود در شهر از میزان جرم بالاتری برخوردارند که از این میان می‌توان به میدان شهداء (مشتاق) و بیرم‌آباد (سرآسیاب) اشاره کرد که حجم قابل توجهی از جرایم حدود ۱۶ فقره جرم از مجموع جرایم مواد مخدر مورد بررسی در این دو ناحیه رخ داده است. از مشخصات این میادین که موثر در تبدیل آن‌ها به یک کانون جرم‌خیز بوده است، می‌توان به شلوغی و رفت و آمد زیاد، حضور تعداد قابل توجه دست‌فروش، حضور افراد بیکار و ولگرد، محل پیاده و سوار شدن مسافری درون شهری و برون شهری و نیز عدم تجانس عابری از لحاظ بومی و غیربومی بودن اشاره نمود. در مرتبه بعد می‌توان به میدان‌های آزادی و کوثر شهر کرمان اشاره کرد که در نواحی شمالی شهر قرار گرفته‌اند.

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/ ۱۱۳

ب- مهم‌ترین عوامل مکانی موثر و تسهیل‌کننده

بی‌شک توزیع جغرافیایی بزهکاری در سطح شهرها یکنواخت و موزون نیست، علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد وقوع بزه در شهرها تمایل و گرایش به تمرکز در برخی محدوده‌های خاص دارد (Brantingham, 1991, p.29). حال پرسش اساسی این است که چرا برخی محدوده‌های شهری محل تمرکز و تراکم جرم و خشونت و ناامنی است و اساساً چگونه ممکن است مکان و شرایط مکانی بتواند عامل یا زمینه‌ساز این تمرکز باشد؟ در پاسخ به این سوال اظهارنظرهای متفاوتی شده است. طرفداران نظریه‌ی گزینش عقلانی معتقدند همگرایی و ترکیب سه عنصر زیر موجب شکل‌گیری مکان‌های جرم‌خیز می‌شود:

- وجود اهداف مجرمانه در این مکان‌ها که بزهکاران را ترغیب به ارتکاب جرم در این محدوده‌ها می‌کند، این اهداف می‌تواند مردم یا اشیایی باشد که معمولاً قربانی یا موضوع ارتکاب بزه قرار می‌گیرند؛

- وجود بزهکارانی که دارای انگیزه، توان و مهارت کافی جهت انجام عمل مجرمانه هستند؛
- نبود مراقبت و کنترل مناسب جهت مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مردم و مسئولان (Clarke, 1997, p.96).

برخی از دانشمندان در نقطه‌ی مقابل، عامل اصلی شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز را تمرکز و تعدد بیش از حد اهداف مجرمانه (افراد یا اشیاء) دانسته‌اند که به طور مکرر قربانی بزهکاری می‌شوند (Harries, 1999, p.107). عده‌ای دیگر از محققان پیدایش کانون‌های جرم‌خیز را به این مهم نسبت می‌دهند که مجرمین مانند سایر مردم به زندگی، کار و تفریح در سطح شهر مشغول‌اند و در حین انجام امور خود درصدد ارتکاب عمل مجرمانه برمی‌آیند و طبیعی است افرادی اشیایی که در مجاورت محل کار و زندگی و فعالیت این بزهکاران قرار دارند بیشتر در معرض بزهکاری آن‌ها قرار می‌گیرند و بالعکس، اهداف مجرمانه‌ای که در محدوده‌های دورتر قرار گرفته‌اند کم‌تر در معرض اقدام مجرمانه این بزهکاران قرار می‌گیرند (Cohen and Felson, 1979, p.48). بنابراین محدوده‌های جرم‌خیز اکثراً در محل‌هایی شکل می‌گیرند که در مجاورت و نزدیکی محل سکونت و رفت‌وآمد، فعالیت و یا تفریح بزهکاران قرار دارند. (اعمال شد) عده‌ای از محققین دریافته‌اند وجود برخی از کاربری‌های مکانی در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز تاثیر به‌سزایی دارد. شِرمَن، گارتین و برگر از جمله کسانی هستند که به ارتباط نوع کاربری و شکل‌گیری این محدوده‌های مکانی اشاره نموده‌اند (Sherman, 1995, p.41). همچنین ران‌سک و مایر در تحقیق خود در سال ۱۹۹۱ دریافتند

ارتباط مثبت و معنی‌داری بین میزان جرم و تعداد مشروب‌فروشی‌ها و عشرتکده‌ها در برخی بخش‌های شهری وجود دارد. این پژوهش نشان داد تأثیر مکان‌های فوق در نرخ بزهکاری وقتی بیشتر است که مشروب‌فروش‌ها و مراکز فساد در نواحی و محله‌های گمنام و با حفاظت کم‌تر پلیس قرار داشته باشند (Anselin.2000,p.221).

بدین‌سان، می‌توان از بین ویژگی‌های محیطی و البته اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری محدوده‌های جرم‌خیز انواع جرایم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمبود و یا عدم وجود اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت برای قشر جوانان که بخش اساسی جامعه مورد نظر را تشکیل می‌دهند؛

- عدم توجه کافی نهادهای شهری در امر بهینه‌سازی محلات و ارتقاء کیفیت زندگی؛

- سکونت خانواده‌ها با پایگاه‌های اجتماعی، قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در این مناطق؛

- فرسودگی بافت شهری و کیفیت نازل بناها از نظر مساحت و معماری؛

- عدم سازگاری بخشی از بناهای موجود با کاربری مسکونی محله یا منطقه؛

- وجود کوچه‌های پیچ در پیچ و با نقاط کور فراوان؛ وجود این نوع کوچه‌ها سبب شده کار نیروی انتظامی در راستای نظارت و تامین امنیت با مشکل مواجه شود. دستیابی کوچه‌ها از مسیرهای مختلف، عدم وجود دید مناسب در ابتدا تا انتهای کوچه‌ها و غیره سبب مخفی شدن مجرمین در نقاط کور شده و در صورت رویت نیز از مسیرهای متفاوتی امکان فرار برای آنان میسر می‌گردد.

- خصوصیات کالبدی زیاد دیگری نیز وجود دارد که معامله‌ی مواد مخدر را در این نقاط تسهیل می‌کند از جمله شاخ‌وبرگ‌های پُرتراکم و پُر حجم در پارک‌ها یا درخت‌کاری‌های حواشی معابر، وجود ساختمان‌های خالی از سکنه، ناکافی بودن نور خیابان‌ها و ...؛ و در نهایت از همه‌ی عوامل مهم‌تر باید به فقر اقتصادی، فرهنگی و فکری خانوارهای ساکن در این نقاط اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر بر ارتكاب جرایم مواد مخدر در شهر کرمان مهاجرت بی‌رویه و در نتیجه‌ی آن حاشیه‌نشینی در این شهر است. هرچند طی سال‌های اخیر اقداماتی در خصوص برخورد با حاشیه‌نشینی و کنترل گسترش قارچ‌گونه آلونک‌ها در اطراف شهر کرمان انجام شده است اما بیش یا کم همچنان ساخت خانه‌های ۲۴ ساعته در حواشی کرمان ادامه دارد. در این میان نباید نقش زمین‌خواران در ایجاد شهرک‌های حاشیه‌ای کرمان را فراموش کرد به

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/ ۱۱۵

نحوی که اکثر این شهرک‌ها که به شهرک‌های زورآباد معروف شده‌اند توسط مردم از افرادی که زمین‌هایی را در وسعت زیاد تملک کرده‌اند خریداری می‌شود و در نهایت نیز هیچ‌گونه سندی برای این زمین‌ها به جز یک سند عادی نصیب خریدار نمی‌شود. به هر صورت امروز با گسترش این شهرک‌ها و غفلت‌های صورت گرفته طی سال‌های گذشته شاهد سکونت جمعیت قابل توجهی از مهاجرین در آن‌ها هستیم که به گفته‌ی مسئولان امنیتی و قضایی کرمان به یکی از مهمترین کانون‌های جرم‌خیز کرمان مبدل شده‌اند. نکته‌ی قابل توجه این که برخی از این شهرک‌ها از امکانات اولیه‌ی شهری از جمله آب و برق و گاز نیز بی‌بهره هستند که البته برخی از مسئولان شهری اعتقاد دارند که این خدمات‌رسانی‌ها موجب تمایل بیشتر به حاشیه‌نشینی می‌شود.

به علت عدم وجود برنامه‌های شهری و نیز نگاه غیراصولی به مشکلات موجود، رشد فیزیکی و کالبدی شهر کرمان به طور ناموزونی در سطح افقی و عمودی و حاشیه‌های آن گسترش یافته است. در حالی که به دلیل گسترش شهرها و نیاز به طراحی‌های جدید شهری، طرح تفصیلی^۱ هر شهر بایستی هر ۱۰ سال یکبار طراحی و تنظیم و مورد بازنگری قرار گیرد، ولی از سال ۱۳۶۸ که آخرین طرح به پایان رسیده تا سال ۱۳۸۷ یعنی قریب به ۲۰ سال طرح تفصیلی شهر کرمان بازنگری نشده است و طرح تفصیلی سال ۸۷ هم تا زمان انجام این پژوهش (سال ۱۳۹۰) برای استفاده محققان تدوین نشده است. اگر توسعه‌ی شهر بدون برنامه‌ریزی علمی و تخصصی صورت گیرد و برای رشد و گسترش آینده شهر چه از لحاظ خیابان‌بندی و گذربندها و چه از لحاظ کاربری زمین و مکان‌یابی تاسیسات و امکانات عمده‌ی شهری و تراکم‌های ساختمانی و جمعیتی طرح‌ریزی‌های بلندمدت انجام نگیرد، بدیهی است که شاهد گسترش ناموزون و ناهماهنگ شهری خواهیم بود که اصلاح بعدی آن غیرممکن و یا بسیار پرهزینه خواهد بود. هم‌اکنون در کرمان برای مقابله با حاشیه‌نشینی، ستاد حاشیه‌نشینی تشکیل شده است که به دنبال اتخاذ تدابیر بازدارنده‌ی افزایش حاشیه‌نشینی در شهر کرمان می‌باشد. یکی از تصمیمات مناسب انجام شده در راستای جلوگیری از روند افزایشی این نوع شهرک‌ها احداث کمربند سبز به دور شهر کرمان بوده است.

^۱ طرح جامع توسعه شهری تعیین‌کننده شبکه‌ی خیابان‌های اصلی شهر، منطقه و محله‌بندی نواحی، کاربری هر منطقه در یک افق بیست ساله بر اساس گسترش و نیازهای شهری است و در نهایت پایه‌ی طرح تفصیلی قرار می‌گیرد. طرح تفصیلی یک طرح توسعه جزئی‌تر شهر با لحاظ اصول شهرسازی و معماری با توجه به وضعیت موجود و توسعه آینده محله و کوی‌ها در یک افق ده ساله می‌باشد.

نتیجه گیری

انگیزه‌های فردی و ویژگی‌های جرم‌زایی محیط، هر دو در بزه‌کاری اهمیت دارند، هر چند تحلیل هر یک از این دو عامل به یک اندازه ساده نیست. به طور کلی تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی مخالف ارزش‌های هر جامعه که تحت عنوان بزه یا جرم شناخته می‌شوند، به هر نحو که از انسان سر بزند دارای بستر زمانی و مکانی است. مهم‌تر این‌که تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابر جرایم را در محیط‌های جغرافیای در پی دارد و همین امر سبب می‌شود تا در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی بطور یکسان پراکنده نباشند.

اگر این حقیقت ساده مورد توجه قرار گیرد که پراکنش بزه‌کاری در یک محیط جغرافیایی تصادفی نیست و این توزیع از برخی ویژگی‌ها و شرایط خاص پیروی می‌کند، می‌توان با توجه به توانمندی‌های علم جغرافیا به عنوان علم تحلیل پراکندگی فضایی پدیده‌ها، به خوبی امکان بررسی‌های علت‌شناختی جرم از دیدگاه جغرافیایی را فراهم ساخت.

از سوی دیگر، باید گفت پیچیدگی، تعدد و فراوانی مسائل عصر حاضر، چنان است که سیستم‌ها و مکانیزم‌های سنتی موجود، کارآیی خود را از دست داده و جز با استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای و تشکیل پایگاه‌های اطلاعاتی مناسب و بهنگام، نمی‌توان به مدیریت بهینه‌ی فعالیت‌های مختلف اندیشید. این سخن که عصر حاضر، عصر اطلاعات می‌باشد از فرط تکرار، یکنواخت و کسل‌کننده شده است و لیکن این امر یک حقیقت غیرقابل انکار می‌باشد. امروزه با پیشرفت‌های صورت گرفته در علوم رایانه و تجزیه و تحلیل و تلفیق اطلاعات، شکل تکامل یافته‌ای از سیستم‌های اطلاعاتی، تحت عنوان سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی بوجود آمده‌اند که از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده این سیستم‌ها از سایر سیستم‌های اطلاعاتی، مکان-مرجع^۱ بودن اطلاعات مختلف (قابلیت مختصات‌دار نمودن عوارض در مکان واقعی‌شان) در GIS است.

در نگاه نخست، به نظر می‌رسد مطالعه‌ی محدوده‌های جرم‌خیز صرفاً نمایش جغرافیایی نحوه‌ی توزیع اعمال مجرمانه می‌باشد و اغلب این تصور پدید می‌آید که این شناسایی قبلاً نیز توسط نیروهای پلیس به شکل تجربی صورت گرفته است و یا حداقل دست‌اندرکاران نیروی انتظامی با مطالعه‌ی نوع و میزان بزه‌کاری در حوزه‌ی فعالیت خود می‌توانند مکان‌های آلوده‌تر را تشخیص

^۱. Georeference.

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/ ۱۱۷

دهند. اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که در تحلیل مکان‌های جرم‌خیز اولین گام شناسایی و تشخیص صحیح این محدوده‌ها است. گام بعد، تشخیص عوامل و دلایل مختلفی است که به جرم‌خیزی این محدوده‌ها کمک نموده است. پس از آن، مبارزه با این عوامل و پاک‌سازی شرایط کالبدی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز فرآیند نمایش، شناسایی و تعیین حدود محدوده‌های تراکم و تمرکز بزهکاری در سطح شهرها است و بدین طریق سعی می‌شود ضمن شناسایی عوامل این تمرکز اقدام به ارائه راهبردها و سیاست‌های مناسب جهت حذف یا کاهش اثر این عوامل نمود و از وقوع بزه در این محدوده‌ها در آینده پیشگیری کرد.

در مقاله‌ی حاضر در جهت تحلیل جغرافیایی بزهکاری در محدوده‌ی شهرها، وقوع جرایم مواد مخدر در محدوده‌ی شهر کرمان با استفاده از فناوری سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور از سه روش، «مرکز متوسط»، «بیضی انحراف معیار» و «روش تخمین تراکم کرنل» بهره گرفتیم. نتایج نشان داد که مرکز ثقل جرایم مواد مخدر تقریباً منطبق با بخش مرکزی شهر کرمان می‌باشد که در تقاطع خیابان شریعتی و خیابان شهید چمران قرار دارد و از مرکز شهر به سمت شرق و غرب متمایل است. به نظر می‌رسد علت این استقرار، قرارگیری نقاط جرم‌خیز در بخش شرقی در امتداد خیابان‌های فیروزآباد و حکیم و شهداء و همچنین وجود نقاط متراکم و نسبتاً نزدیک به هم در جنوب غربی شهر و در نهایت وجود کانونی جرم‌خیز در منتهی‌الیه غربی شهر یعنی فرودگاه باشد.

تراکم بالای جرایم در مناطق شرقی و جنوبی شهر را می‌توان ناشی از وجود اقوام مهاجر (به ویژه از شهرهای بم، شهداد و گلباف)، تراکم بالای جمعیت، عدم امکان نظارت کافی پلیس و همچنین پایین بودن سطح آگاهی و فرهنگ عمومی مردم این محلات، نبود کاربری‌های متناسب با محله و عدم سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در تاسیس مراکز خدماتی، فرهنگی و ورزشی دانست.

حال با توجه به عوامل کالبدی و فیزیکی موثر در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز شهر کرمان به نظر می‌رسد راهکارها و پیشنهادها زیر در کنترل و پیشگیری محیطی از بزهکاری و افزایش امنیت در محدوده‌ی این مناطق جرم‌خیز بتواند موثر واقع شود:

۱- راهکارهای مبتنی بر اصلاح محیط:

- ساماندهی فضاهای متروکه و رها شده، خرابه‌ها و ساختمان‌های متروکه و سرعت بخشیدن به امر ساخت‌وساز؛

- در مرحله اولیه طراحی مراکز تفریحی و تجاری، تسهیلات لازم برای یک برنامه‌ریزی تاثیرگذار در برابر بزهکاری در نظر گرفته شود؛
- ایجاد تغییرهای مثبت در محیط طبیعی؛ این موضوع شامل تدبیر یا مدیریت کردن محیط طبیعی به قصد تاثیر بر رفتار کسانی است که از آن استفاده می‌کنند. به عنوان مثال حذف بوته‌های انبوه و متراکم در پارک‌ها، حذف نقاط کور و فضاهای مرده در کوچه‌های جرم‌خیز و ترمینال مسافری، روشن نمودن فضای داخل کوچه‌ها.
- ۲- راهکارهای مبتنی بر افزایش مراقبت و نظارت. شاید بتوان تاثیرگذارترین رکن عناصر طراحی محیطی را نظارت دانست. نظارت (چه رسمی و چه غیررسمی) مبتنی بر این ایده است که نظارت موثر و افزایش رؤیت‌پذیری می‌تواند از وقوع جرم پیشگیری کند، از جمله این راهکارهای مراقبتی-نظارتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- مکان‌یابی و احداث مراکز انتظامی در این محدوده‌ها از شهر؛ چرا که به نظر می‌رسد یکی از عوامل تاثیرگذار در بالا بودن نرخ جرایم این مناطق نبود مراکز انتظامی ثابت در این نقاط است؛
- این امکان فراهم آید تا نگهبانان (نظارت رسمی) مراکز تفریحی و فضای سبز در همان محل اسکان یابند و در تمام ساعات شبانه‌روز حضور داشته باشند؛
- فضاهای سبز و پارکینگ‌ها به صورت نواری طویل طراحی شوند تا امکان حداکثر نظارت و دید عابران فراهم گردد.
- محل تجمع جوانان باید در جایی باشد که توسط مردم حاضر در محل از قبیل عابران و مسافرین ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس قابل رویت و دید باشد.
- ۳- راهکارهای مبتنی بر تقویت جنبه‌های اجتماعی محیط:
- برقراری تعادل و توازن در نوع و ترکیب کاربری اراضی با جلب همکاری و مشارکت مالکان و ساکنان این محدوده‌ها؛
- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارک و مکان‌های تفریحی جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنان این محدوده‌ها بویژه قشر نوجوان و جوان. و در نهایت تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی مورد نیاز ساکنین این نقاط.

فارسی

- پوراحمد، احمد و محمد تقی رهنمایی و محسن کلانتری، (۱۳۸۲)، «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴، صص ۸۱-۹۸.
- توکلی، مهدی، (۱۳۸۶)، «شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری»، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه‌ی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۰۰-۷۵.
- تیلور، رالفی و ادل وی. هارل، (۱۳۸۹)، محیط کالبدی و بزهکاری، ترجمه‌ی سمیه قزلباش و محسن کلانتری، چاپ اول، زنجان، نشر آذر کلک.
- تیموری، ایرج و عباس رجایی، (۱۳۸۸)، کاربرد Arcgis در برنامه‌ریزی شهری و منطقه، چاپ اول، تهران، نشر جمیل.
- دلاور، علی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
- شکویی، حسین، (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهرها)، تهران، نشر جهاد دانشگاهی.
- صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۶)، نقش آسایش محیطی فضاها‌ی شهری در پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه‌ی محیط‌شناسی، سال ۳۳، شماره ۴۴.
- فیالکوف، یانکل، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهر، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران، چاپ نقش جهان.
- کرو، تیموئی دی، (۱۳۸۷)، نقش معماری در پیشگیری از جرم، ترجمه‌ی حمیدرضا عامری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- کلارک، رونالد وی و جان اک، (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم)، ترجمه‌ی مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، چاپ اول، تهران، سازمان زرد.
- کلانتری، محسن، (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله‌ی دکتری جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی، (۱۳۷۳)، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- محمودی جانکی، فیروز و مجید قورچی بیگی، (۱۳۸۸)، «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم»، فصلنامه‌ی حقوق دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۳۴۵-۳۶۸.
- مطلبی، قاسم، (۱۳۸۰)، «روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، فصلنامه‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۱۰، صص ۶۷-۵۲.
- مقصودی، مهرا، (۱۳۸۵)، نقشه‌ها و نمودارهای موضوعی، چاپ اول، تهران، نشر انتخاب.
- منصورفرد، کریم، (۱۳۸۵)، روش‌های آماری، چاپ هشتم، تهران، موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- نصیری، رسول، (۱۳۸۴)، آموزش spss13، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی نشر گستر.
- هاروکوپس، الکس و مایک هاف، (۱۳۸۸)، پیشگیری از جرم (مطالعه موردی: معامله مواد مخدر در بازار آزاد خرده‌فروشی)، ترجمه‌ی مهدی مقیمی و حمید جربانی، چاپ اول، تهران، نشر روناس.
- هاشمی، علی، (۱۳۸۲)، مواد مخدر؛ بحران اجتماعی و تهدید علیه امنیت ملی، تهران، مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری.

لاتین

- Anselin-L, Cohen-D, Gorr-W and Tita-G (2000), **Spatial Analysis of Crime**, In measurement and analysis of crime and justice. Edited by deardid dattce. Vol.4 of criminal justice.
- Brantingham-P.L and Brantingham-P.J (1991), **Environmental Criminology**, Sage Publications, Beverly Hills, CA.
- Brown-L(1981), **Geography of Crime**, University of Wollongong, School of Geosciences from the World Wide Web, <http://www.geos242.2>.
- Clarke-R (1997), **Situational Crime Prevention: Successful Case studies**, 2nd edition, Harrow and Hetson, Newyork, NY.

تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرایم مواد مخدر در شهر کرمان/۱۲۱

- Chainey-S and Ratcliffe-J (2005), **GIS and Crime Mapping**, John Wiley and Sons, Ltd.
- Cohen-L and Felson-M (1979), "Social Change and Crime Rate Trends: A routine activity approach", **American Sociological Review**, vol. 44, pp.588-608.
- Cozens- P.M (2002), "Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British City. Towards an effective urban environmentalism for the 21st Century", **Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning**, Vol. 19 No.2, pp.129-137.
- Crowe-T (2000), **Crime Prevention through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts**, 2nd ed., Butterworth- Heinemann, Oxford.
- Eck-J and Weisburd-D (1995), **Crime Places in Crime Theory**, In J.Eck and D.Weisburd (Eds.) *Crime and Place*, Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- Felson-M and Clarke-R (1998), **Opportunity makes the theft practival theory for crime prevention**. Police Research series paper. Home office, Policing and reducing crime unit, London.
- Getis-Arthur and Others (2000), "Geographic Information Science (GIS) and Crime Analysis", **URISA Journal**, vol.12, no.2, pp.7-14.
- Harries-K (1999), **Mapping Crime: Principle and Practice**. National Institute of justice (U.S. Department of justice).
- Jacobs-J (1961), **the Death and Life of Great American Cities**, Vintage Books, New York, NY.
- Jeffery-C.R (1971), **Crime Prevention through Environmental Design**, Sage Publications, Beverly Hills, CA.
- Newman-O (1973), **Defensible Space People and Design in the Violent City**, Architectural Press, London.
- Newman-O(1996), **Creating Defensible Space**, US Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research, Washington, DC.
- Shaw-C.R and McKay-H.D (1969), **Juvenile Delinquency and Urban Areas**, University of Chicago Press, Chicago, IL, (originally published in 1942).
- Sherman-L.W and Gartin-P.R and Buerger-M.E (1989), "Hotspots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place", **Criminology**, no.27, p.27-55.

- Sherman-L.W (1995), “Hot Spots of Crime and Criminal Careers of Places”, In Eck, J.E. and D.Weisburd (Eds.), **Crime and Place**, Monsey, NY: Criminal Justice Press and Washington, DC: Police Executive Research Forum, pp.35-52.
- Taylor-R (1998), **Crime and Small scale places**: What we know, what we can prevent, and what else we need to know crime and place: plenary papers of the 1997.

